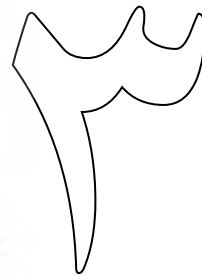


بحران سوریه بر اساس نظریه مکعب بحران

علی امیدی*

زهرا آقامحمدی**

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



* دانشیار روابط بین الملل دانشگاه اصفهان

zmohammadi45@gmail.com

** دانشجوی دکتری روابط بین الملل دانشگاه اصفهان

تاریخ تصویب: ۹۶/۲/۱۰

تاریخ دریافت: ۹۵/۹/۱۴

فصلنامه روابط خارجی، سال نهم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۶، صص ۱۰۲-۶۳.

چکیده

سوریه به عنوان یکی از مراکز ثقل ژئوپلیتیک خاورمیانه در حال حاضر (۲۰۱۷)، وارد هفتمین سال بحران و درگیری شده است. ثبات و امنیت در این کشور توسط خشونت، آوارگی در سطح وسیع، فرقه‌گرایی، افراط‌گرایی برخی از گروه‌ها به ویژه داعش، تقسیم اراضی و فروپاشی مهم‌ترین زیرساخت‌ها از بین رفته است و یک بحران بشردوستانه نه تنها در منطقه بلکه در کل جهان را رقم زده است. این پژوهش در پی پاسخ به این پرسش است که بحران سوریه هم اکنون در کدام نوع مرحله بحران قرار دارد و نوع و ماهیت بحران کنونی آن چیست؟ در این مقاله براساس مدل مکعب بحران اینگونه استدلال می‌شود که ناکارآمدی در مدیریت بحران در سه سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی، تبعات قابل توجهی بر سوریه و منطقه و حتی سطح بین‌المللی داشته است و با عدم مدیریت آن در سطح ملی یعنی نقطه C، بحران به ترتیب به نقاط D و B سرایت پیدا نمود و باعث تبدیل بحران امنیتی به جنگ داخلی و دخالت قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای و نقطه A به عنوان بحرانی‌ترین مرحله هر بحرانی انجامید. ایران، روسیه و ایالات متحده آمریکا به عنوان سه بازیگر مهم و کلیدی در این درگیری با دستیابی به توافق بین خود خواهند توانست با راه‌حل برد-برد از ادامه افسارگسیختگی بحران جلوگیری نمایند. ولی واقعیت این است که تئوری مکعب بحران می‌گوید حتی اگر جنگ در سوریه مهار شود پس‌لرزه‌های جنگ تا سال‌ها ادامه خواهد داشت.

واژه‌های کلیدی: ایالات متحده آمریکا، ایران، بحران سوریه، روسیه،

مکعب بحران

مقدمه

سوریه به دلیل نقطه اتصال سه قاره افریقا، اروپا و آسیا از موقعیت خاص و مهم ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک در خاورمیانه برخوردار است. این کشور شامل گروه‌های قومی و مذهبی مختلفی می‌شود که تنوع جمعیتی خاصی را در آن به وجود آورده است. پس از آغاز تحولات بهار عربی در برخی از کشورهای خاورمیانه به‌ویژه تونس، مصر و لیبی دامنه این تحولات به سوریه نیز کشیده شد. نخست مردم شهر درعا^۱ به دلیل احساس محرومیت‌های اقتصادی و اجتماعی و بعدها سیاسی، دست به تظاهرات زدند و خواستار اصلاحاتی توسط حکومت شدند (Ayhan, 2011: 7). سیاست سوریه همواره بین محلی‌گرایی عمیق بسیاری از گروه‌های فروملی و منافع استراتژیک قدرت‌های بزرگ شکل گرفته است. از زمان ایجاد سوریه به عنوان یک دولت-ملت در سال ۱۹۱۹ که حاصل فروپاشی امپراتوری عثمانی بود، سوریه مدرن تکیه‌گاه سیاست‌های منطقه‌ای و بین‌المللی با تأکید بر توازن قدرت بوده است. در رابطه با دلایل اصلی شکل‌گیری بحران در سوریه و گسترش آن در قالب یک جنگ داخلی، علل و عوامل مختلفی دخالت داشتند که در این مقاله این عوامل در دو محور کلی تحت عنوان عوامل داخلی مانند وضعیت سیاسی و اقتصادی سوریه قبل از شروع بحران ۲۰۱۱ و عوامل خارجی مانند استراتژی و دخالت قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای با تأکید بر ایالات متحده آمریکا بیان خواهد شد.

در ادامه به مراحل مشخصی از پیشرفت هر بحران اشاره خواهد شد و اینکه

پیشرفت هر بحرانی معمولاً شامل چهار مرحله اساسی پیشابحران، آغاز بحران، حین بحران و پسابحران است. با توجه به خصوصیات مرحله پسابحران باید گفت که سوریه پس از چندین سال از آغاز بحران و علی‌رغم تلاش‌های نه چندان جدی برخی از کشورها در حل بحران، نه تنها وارد مرحله پسابحران نشده است بلکه حتی وجود نشانه‌هایی مبنی بر ورود به این مرحله دور از ذهن به نظر می‌رسد. در نهایت به سناریوهای محتمل در جهت پایان دادن به بحران سوریه اشاره خواهد شد و همچنین منافع متقارن و نامتقارن هریک از سه بازیگر مهم درگیر در این بحران مورد بررسی و کنکاش قرار خواهد گرفت.

در پژوهش حاضر، به دنبال مطالعه و ارائه سناریوهایی برای راه‌حل بحران در سوریه که هم‌اکنون به بحرانی‌ترین نقطه خود رسیده است، با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی با بهره‌گیری از اسناد و منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی هستیم. لذا با توجه به چنین مقصودی، محور اصلی پژوهش حاضر پاسخگویی بدین سؤال است که: «در حال حاضر بحران سوریه در کدام یک از مراحل بحران قرار دارد و نوع و ماهیت بحران چیست؟». فرضیه پژوهش حاضر نیز بر این مبنا استوار است که براساس مدل مکعب بحران،^۱ بحران سوریه در نقطه A و شرایط کاملاً بحرانی قرار دارد. چه بسا اگر بحران در مقاطع قبل که زمان بیشتری برای تصمیم‌گیری وجود داشت، به گونه‌ای صحیح مدیریت می‌شد، سوریه اکنون وارد مرحله پسابحران می‌شد و بحران به جنگ داخلی منجر نمی‌شد. ایران، روسیه و ایالات متحده امریکا به عنوان سه بازیگر مهم و کلیدی در این درگیری، با دستیابی به توافق بین خود خواهند توانست نه تنها از سرایت منازعات مسلحانه به سایر مناطق جلوگیری نمایند بلکه مانع از تبدیل شدن جنگ داخلی سوریه به یک جنگ منطقه‌ای و بین‌المللی شوند. پس محتمل‌ترین و مطلوب‌ترین سناریوی مقابله با بحران سوریه حاکی از آن است که این سه بازیگر مهم با دستیابی به توافق بین خود، خواهند توانست با راه‌حل برد-برد از ادامه افسارگسیختگی بحران جلوگیری نمایند. ولی واقعیت این است که تئوری مکعب بحران می‌گوید حتی اگر جنگ در

سوریه مهار شود، پس لرزه‌های جنگ تا سال‌ها ادامه خواهد داشت. ضرورت این پژوهش بدان جهت است که اتخاذ یک راهکار مؤثر برای از بین بردن و یا حداقل کاهش بحران سوریه، مستلزم کالبدشکافی ریشه‌های بحران و همچنین آسیب‌شناسی رفتار کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در این زمینه است؛ چرا که فقدان مطالعات آسیب‌شناسانه و عدم ارائه راهکارهای مناسب با واقعیت‌های موجود در این حوزه منجر به تکرار اشتباهات، بحرانی‌تر شدن وضعیت و اتخاذ راهبردهای تکراری و بی‌اثر در آینده این کشور خواهد شد.

در خصوص پیشینه پژوهش باید گفت اگرچه تعداد زیادی مقاله، کتاب و رساله راجع به بحران سوریه و ریشه‌های شکل‌گیری بحران در این کشور نوشته شده است و هریک از زوایای مختلفی این مسئله را مورد بررسی قرار داده‌اند، اما با توجه به نوظهور بودن برخی گروه‌های تروریستی مانند داعش در خاورمیانه به طور عام و سوریه به طور خاص، متون علمی - تخصصی معتبر راجع به بررسی فرآیند بحران در این کشور کم است. با توجه به این مسئله، سه کتاب و سه مقاله قابل اتکا به عنوان پیشینه پژوهش در این قسمت مطرح می‌شود.

کتاب سوریه در بحران نوشته مجید جعفری، این کتاب در ۱۲۴ صفحه و در فصل‌های اول شامل کلیات، دوم شامل تکوین بحران سیاسی سوریه و سوم شامل تحلیل متغیرهای اثرگذار در تداوم بحران سوریه تدوین شده است. تاریخ و جمعیت سوریه، اهل تسنن، علوی‌ها، شیعه جعفری، دولت، مجلس، سیاست در سوریه، زندگینامه بشار اسد، احزاب در سوریه، تشکل مردمی، اتحاد دموکراتیک سوریه، صنعت خودروسازی، دلایل خارجی بحران سوریه، اهداف ایجاد داعش و... از جمله مباحثی است که در این کتاب بدان پرداخته شده است. یافته این کتاب این است که بحران سوریه که از سال ۲۰۱۱ آغاز شده، ادامه نقشه امریکا در خاورمیانه یا همان برقراری امنیت برای رژیم صهیونیستی و ضربه به مقاومت اسلامی از یک سو و رهایی از دست مسلمان تندرو از سوی دیگر است که در اروپا و امریکا رشد کرده و به قول غربی‌ها امنیت آینده اروپا را با خطر روبرو کرده است. از این رو امریکا با طراحی بحران سوریه و گسیل مسلمانان تندرو یا

همان تروریست های تکفیری از سراسر جهان به این کشور، تلاش دارد هم ارتش سوریه و حزب الله لبنان را تضعیف کند و هم از شر مسلمانان تندرو یا همان تروریست ها در اروپا و امریکا خلاص شود.

کتاب کنکاشی در تحولات سوریه؛ ریشه ها، بازیگران و پیامدها تالیف روح الله قاسمیان یکی دیگر از کتاب هایی است که اخیرا در مورد تحولات سوریه به رشته نگارش درآمده است. این کتاب که در واقع حقایق تحولات سوریه و ماهیت واقعی تحولات را آشکار می کند، در پی پاسخ به این پرسش است که آیا حوادث سوریه در امتداد خیزش های عربی در شمال آفریقا و خاورمیانه تعریف می شود یا خیر؟ البته سئوالات دیگری نیز پاسخ داده شد، از جمله این که ریشه های بحران سوریه چیست؟، عمده بازیگران، طیف های عقیدتی و سیاسی تحولات سوریه در سه سطح ملی، منطقه ای و بین المللی کدامند؟، خواسته ها و مطالبات آن ها چیست؟، تحولات سوریه چه پیامدهایی برای دیگر کشورهای منطقه دارد؟ و در نهایت چه آینده ای در انتظار سوریه است؟. یافته های نویسنده در این کتاب حاکی است که امریکا و متحدانش بعد از خیزش های مردمی در شمال آفریقا و منطقه خاورمیانه، دو فعالیت را به طور جدی دنبال کردند؛ نخست مصادره انقلاب ها و دوم تغییر مسیر انقلاب از کشورهای متحد عربی به شورش و بحران در کشورهای محور مقاومت. در این کتاب با بیان چندین دلیل اثبات شده که تحولات سوریه از جنس بیداری اسلامی نیست و این کشور دچار جنگی تمام عیار شده که هدف اصلی آن نه تنها براندازی شخص بشار اسد و نظام سوریه بلکه تحریف و تخریب الگوی دولت در سوریه است.

مقاله تحلیل بحران سوریه از منظر شکاف های اجتماعی نوشته خلیل اله سردارنیا و فائزه کیانی، یکی از مقالاتی است که استدلال می کند از دهه ۱۹۹۰ به این سو، تعارضات و شکاف های سیاسی و اجتماعی عمدتا شکل هویت بنیاد قومی، مذهبی و منطقه ای - محلی یافته و از حالت صرفا طبقاتی خارج شده اند. به تبع، پدیده هایی همچون جهانی شدن و انقلاب ارتباطات، بحران و جنگ داخلی سوریه ریشه در عواملی همچون بحران هویت، نارضایتی ها و سیاسی شدن

هویت‌های مذهبی (عمدتاً سنی‌های در اکثریت) و تا حدی هویت‌های قومی (کردها)، بحران دولت‌سازی و مشروعیت و در نهایت ظهور جریان تکفیری-سلفی داعش دارد.

مقاله تحولات سوریه؛ دولت درمانده و بازیگران خارجی نوشته قدرت احمدیان و احد نوری اصل، با نگاهی متفاوت به تحولات سوریه پرداخته است. این مقاله با هدف بررسی این تحولات در سوریه و تاکید بر سطح تحلیل دولت، از تئوری دولت درمانده یا شکست خورده وام گرفته است. لذا بر مبنای این تئوری، از یک سو چرایی شکل‌گیری این تحولات در سوریه با تمرکز بر سطح دولت شکست خورده و اکاوی شده است و از سوی دیگر با تاکید بر نقش بازیگران خارجی در یاری رساندن به دولت درمانده و تقویت آن، راه‌های برون رفت از چالش موجود بررسی خواهد شد.

کتاب پیامدهای هرج و مرج: بحران بشردوستانه سوریه و شکست حمایت، تألیف الیزابت جی فریز و کمال کریسکی یکی از کتاب‌هایی است که اخیراً به زبان انگلیسی در مورد بحران بشردوستانه سوریه به رشته تحریر درآمده است. نویسنده در این کتاب به این مسئله می‌پردازد که حدود ۱۲ میلیون نفر از مردم سوریه به دلیل جنگ داخلی مجبور به ترک خانه‌های خود شده‌اند که این بیشترین میزان مهاجرت در منطقه از زمان جنگ جهانی دوم محسوب می‌شود. نتیجه‌ای که نویسنده از بحث خود می‌گیرد این است که یکی از مهمترین پیامدهای بحران سوریه وضعیت اسفبار مردم بی‌خانمان سوریه و پیامدهای منفی اقتصادی، سیاسی و اجتماعی در بلندمدت است و این بحران بشردوستانه تمامی بازیگران درگیر در این بحران را فراخواهد گرفت. در نتیجه اتخاذ یک رویکرد جدید جهانی برای حل بحران سوریه نیاز است.

مقاله ریشه‌های بحران در سوریه نوشته وی‌پی هاران یکی از مقالات اخیر در خصوص بررسی تحولات سوریه است که طی دو بخش کلی تحت عنوان وضعیت داخلی و وضعیت خارجی به بررسی ریشه‌های بحران در سوریه پرداخته است. در بخش وضعیت داخلی به مباحثی از جمله وضعیت اقتصادی، وضعیت

فرقه‌ای، فقدان دموکراسی اشاره نموده است و در بخش وضعیت خارجی مواضع کشورهای غربی، عربستان سعودی، قطر، ترکیه، روسیه، چین و ایران به عنوان مهم‌ترین بازیگران درگیر در تحولات سوریه را بیان نموده است. مهم‌ترین یافته این نویسنده این است که با توجه به اینکه بحران سوریه باعث آوارگی بیش از نیمی از جمعیت سوری شده است، از این رو هم دولت سوریه و هم مخالفین باید تمامی تلاش خود را در راستای اجرای قطعنامه دسامبر ۲۰۱۵ به عمل آورند تا صلح به سوریه بازگردانیده شود؛ چرا که این امر نه تنها سطح خشونت را کاهش می‌دهد، بلکه گروه افراطی داعش را نیز منزوی خواهد کرد.

با وجود تعدد منابع در این زمینه، هیچ‌یک از این منابع به طور مستقیم به تحلیل فرآیند و سیر مراحل بحران و اینکه آینده مبهم سوریه با چه وضعیتی روبرو خواهد شد و همچنین این مسئله که در سال‌های پیش‌رو برای مقابله با این بحران و جنگ ویرانگر چه راهکارهایی باید اتخاذ شود، نپرداخته است. ضمن اینکه حداقل منابعی هم که به این موضوع توجه کرده‌اند، هرکدام بعد و جنبه خاصی از موضوعات مورد بررسی قرار گرفته است و هیچ‌کدام نگاه منسجم و منظمی به موضوع نداشته است.

۱. چارچوب نظری

تحلیل بحران‌های بین‌المللی براساس مدل مکعب بحران یکی از روش‌های فهم بحران است. در این روش، توجه به تصمیم‌گیرندگان بین‌المللی معطوف است و تحلیل نگرش و کیفیت تصمیم‌گیری و رفتار آن‌ها مورد مطالعه قرار می‌گیرد. نوع واکنش تصمیم‌گیرندگان بستگی به ادراک آنان دارد. برای اینکه بتوان وضعیت و کیفیت یک بحران را تشریح و تحلیل نمود، تعابیر باید از دیدگاه کسانی که در عمل در تصمیم‌گیری بحران شرکت دارند، بررسی شود و بتوان واقعیت بین‌المللی را اگرچه به لحاظ ایدئولوژیک درست نباشد، تحلیل کرد. از این دیدگاه، بحران یک متغیر و محرک است که باعث کنش می‌شود و کنشگر با کنش و واکنش مواجه است (Baubion, 2013: 21). در این روش، چهار عامل و عنصر در تحلیل بحران مورد استفاده قرار می‌گیرد:

عامل محرک:^۱ نخستین اقدامی است که یک بازیگر در ایجاد بحران به عمل می‌آورد. تظاهرات مردم سوریه در ژانویه ۲۰۱۱، اعتراضاتی بود که اگرچه از لحاظ مقیاس بسیار کوچک‌تر از بسیاری از اعتراضات مردمی در کشورهای نظیر بحرین و حتی عربستان بود، اما خیلی زود تبدیل به بحرانی بزرگ شد (Klingler, 2014: 521). بحران سوریه ابتدا در استان درعا در شانزده مارس ۲۰۱۱ آغاز شد و در آن شماری از تظاهرکنندگان این شهر خواستار انجام اصلاحات و بهبود خدمات شدند. اما به سرعت روند تحولات گسترش یافت و تبدیل به آتش‌سوزی و تخریب شد که جرقه اولیه آغاز بحران بود.

ادراک دولت تهدید شده:^۲ تصمیم‌گیرندگان و بازیگران مقابل چه درکی از وضعیت دارند. با گسترش اعتراضات و درگیری دولت سوریه با معترضین و همچنین تشکیل ارتش آزاد سوریه که شماری از نظامیان جدا شده از ارتش دولت بشار اسد بودند، نیروی موسوم به ارتش آزاد سوریه در ماه آگوست سال ۲۰۱۱، توسط گروهی از نظامیان فراری و با هدف حمایت از غیرنظامیان در برابر حملات ارتش سوریه و تلاش برای سرنگونی حکومت بشار اسد تشکیل شد. اینجا بود که برای دولت سوریه این درک حاصل شد که مخالفین قصد براندازی حکومت و خدشه‌دار کردن امنیت ملی را دارند. هرچند در نهایت در ژوئن ۲۰۱۴، با اشغال یک سوم از اراضی سوریه توسط دولت اسلامی در عراق و شام (داعش)، ارتش آزاد به یک نیروی حاشیه‌ای تبدیل شد (Sullivan, 2014: 9-11).

واکنش:^۳ مطابق به درک، یک پاسخ می‌دهد. در نتیجه دولت سوریه براساس درک خود از وضعیت، بر شدت سرکوب معترضان افزود.

ادراک دولت بازیگر اول از واکنش بازیگر دوم: هنگامی که دو جریان عمده مخالف دولت بشار اسد، یعنی «شورای ملی سوریه» و «شورای هماهنگی انقلاب سوریه» در اواخر دسامبر ۲۰۱۱ در قاهره مصر توافق کردند تا ضمن تسریع و تسهیل روند تغییر حکومت، به طور مشترک انقلاب سوریه را راهبری و درباره

1. Stimulus
2. Perception
3. Response

چگونگی فرآیند ادامه اعتراض‌ها تصمیم‌گیری کنند، در این طرف، دولت سوریه درک کرد که مخالفین آماده جنگ تمام عیار با دولت سوریه است و حکومت بشار اسد را به عنوان یک نیروی ضعیف می‌شناسد.

بنابراین لازم به ذکر است با وجود اینکه دولت بشار اسد چنین تظاهرات‌هایی را با سرکوب پاسخ داد، اما تمایل خود را برای اجرای اصلاحات و مذاکره با نیروهای مخالف غیرمسلح اعلام نمود. در چنین شرایطی این ایالات متحده امریکا بود که اعلام کرد بشار اسد باید برود و شروع به تأمین مالی گروه‌های مسلح برای براندازی دولت اسد نمود (Murdock, 2014: 13).

بنابراین، بحران عبارت است از وضعیتی که در آن هدف‌های مهم و اساسی واحد تصمیم‌گیرنده تهدید شود، زمان واکنش را برای اتخاذ تصمیم محدود کند و عناصر و عوامل تصمیم‌گیرنده را با بروز ناگهانی خود غافلگیر کند: Dayton, 2009: (1). پس در تعریف و تشخیص بحران از دیدگاه مکعب بحران، سه عامل نقش عمده‌ای را ایفا می‌نمایند: تهدید،^۱ زمان^۲ و غافلگیری.^۳ از نظر چارلز هرمان^۴ در مکعب بحران، از ترکیب سه عامل تهدید، زمان و غافلگیری، هشت حالت و شرایط متفاوت بحرانی زیر به وجود می‌آید (Hermann, 1969: 187).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

-
1. Threat
 2. Time
 3. Surprise
 4. Charles Hermann

جدول ۱- اهمیت جایگاه منطقه‌ای سوریه و ریشه‌های شکل‌گیری بحران

نقاط	نوع بحران	تهدید	آگاهی	زمان تصمیم‌گیری
A	کاملاً بحرانی ^۱	شدید	غافلگیرانه	کوتاه
B	نوظهور ^۲	شدید	غافلگیرانه	بلند
C	کند(بطئی) ^۳	خفیف	غافلگیرانه	بلند
D	ویژه (موردی) ^۴	خفیف	غافلگیرانه	کوتاه
E	انعکاسی ^۵	شدید	پیش‌بینی شده	کوتاه
F	برنامه‌ای ^۶	شدید	پیش‌بینی شده	بلند
G	عادی ^۷	خفیف	پیش‌بینی شده	بلند
H	اداری ^۸	خفیف	پیش‌بینی شده	کوتاه

(Hermann, 1969: 415)

سوریه از موقعیت خاص و مهم ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک در خاورمیانه برخوردار است، زیرا در محل پیوند سه قاره افریقا، اروپا و آسیا واقع شده است. سوریه برای اعراب به عنوان قلب جهان عرب شناخته می‌شود و طی منازعات چند سال اخیر، ثابت شده است که سیستم عصبی منطقه است (Kodmani, 2015: 1).

جمعیت کشور سوریه مانند بسیاری از کشورهای خاورمیانه، گروه‌های قومی و مذهبی مختلفی را شامل می‌شود. طی سال‌ها، کنترل‌های شدید سیاسی رژیم اسد از آشکار شدن چنین تفاوت‌هایی جلوگیری به عمل می‌آورد و به آن‌ها اجازه ایفای نقش فعال در زندگی سیاسی و اجتماعی را نمی‌داد. اگرچه کشور سوریه اقلیت‌های قومی کوچک به ویژه کردها را شامل می‌شود، اما اکثریت جمعیت سوریه یعنی حدود ۹۰ درصد از آن‌ها از اعراب قومی هستند. موضوع مهم‌تر در سوریه، اختلاف‌های فرقه‌ای مذهبی است. علاوه بر اکثریت مسلمانان سنی که ۷۰

1. Crisis Situation
2. Innovative Situation
3. Inertial Situation
4. Circumstantial Situation
5. Reflective Situation
6. Deliberative Situation
7. Routinized Situation
8. Administrative Situation

درصد از جمعیت سوریه را تشکیل می‌دهند، سوریه چندین اقلیت فرقه‌ای مذهبی از جمله سه فرقه کوچک‌تر مسلمان (علوی‌ها، دروزی‌ها و اسماعیلی‌ها) و چندین مذهب مسیحی را نیز در برمی‌گیرد. خانواده اسد عضو اقلیت فرقه علوی (حدود ۱۲ درصد از جمعیت) هستند که ریشه آن در اسلام شیعی است (Sharp, 2011: 9). علی‌رغم ماهیت سکولار حزب بعث حاکم، فرقه‌ها برای سوری‌ها به عنوان نماد هویت گروهی و تعیین‌کننده جهت‌گیری سیاسی بسیار مهم هستند. اسد و حزب بعث، فرقه علوی را به عنوان پایه و اساس کلیدی مذهب سوریه ترویج و مورد حمایت قرار دادند و در اوایل دهه ۱۹۸۰، حکومت قیام مسلمانان اسلامی سنی را به طور خشونت‌آمیزی سرکوب و هزاران تن از مسلمانان سنی را قتل عام کرد. از این رو هویت‌های مذهبی، قومی، جغرافیایی و اقتصادی همگی در منازعات کنونی سوریه سهم هستند (Blanchard and Sharp, 2012: 18).

سوریه مدرن نتیجه یک سری از توافقات سیاسی بین پیروزمندان جنگ جهانی اول و مقامات جدید جمهوری نوظهور ترکیه بود. موافقت‌نامه سایکس-پیکو توافقی سری میان بریتانیای کبیر و فرانسه بود که در ماه می ۱۹۱۶، در خلال جنگ جهانی اول و با رضایت روسیه برای تقسیم امپراتوری عثمانی منعقد شد (Kreutz, 2010: 4). این توافق‌نامه به تقسیم سوریه، عراق، لبنان و فلسطین میان فرانسه و بریتانیا منجر شد. این مناطق قبل از آن تحت کنترل ترک‌های عثمانی بود. سوریه و لبنان تحت نفوذ فرانسه و عراق، اردن شرقی و فلسطین تحت نفوذ بریتانیا قرار گرفتند (Dodge, 2014: 7). اما بعدها در سال ۱۹۴۳، جمهوری عرب سوریه استقلال رسمی خود را به دست آورد. سیاست سوریه همواره بین محلی‌گرایی عمیق بسیاری از گروه‌های فراملی و منافع استراتژیک قدرت‌های بزرگ شکل گرفته است. از زمان ایجاد سوریه به عنوان یک دولت-ملت در سال ۱۹۱۹ که حاصل فروپاشی امپراتوری عثمانی بود، سوریه مدرن تکیه‌گاه سیاست‌های منطقه‌ای و بین‌المللی با تأکید بر توازن قدرت بوده است. سطوح بالای مداخلات خارجی در منازعات کنونی سوریه باعث ادامه این پویایی شده است (Seale, 2010: 612-614).

این کشور موزائیکی از گروه‌های کوچک و روابط محلی آن‌ها است که فراتر از مرزهای قراردادی دولت مدرن گسترش یافته است. مسلمانان سنی اکثریت جمعیت سوریه را تشکیل می‌دهند و به لحاظ سنتی بر شهرها تسلط دارند. مناطق کوهستانی لاذقیه^۱ از نظر تاریخی تحت تسلط علوی‌ها بود. فرقه مذهبی علویه، به عنوان شاخه‌ای از مذهب شیعی اسلام، قریب ۱۱ درصد از کل جمعیت سوریه را در برمی‌گیرد. این فرقه که در گذشته از لحاظ اقتصادی و اجتماعی، گروهی ستم دیده و محروم در سوریه بود، به سرعت درجات نظامی را در ارتش این کشور پیمود و با حضور در حزب بعث توانست در پایان دهه ۱۹۶۰، بر حیات سیاسی این کشور مسلط شود (Jenkins, 2015: 15). در شمال شرقی سوریه کردها سکونت دارند که حدود ۸٫۳ درصد از جمعیت سوریه را تشکیل می‌دهند. علاوه بر این، این موزائیک جمعیت سوریه از سایر گروه‌های کوچک‌تر از جمله ترکمن‌ها، ارامنه، مسیحیان و سریانی‌ها و فرقه‌های مذهبی مختلف مانند اثنی‌عشری، دروزی، اسماعیلیان، مارونی‌ها، پروتستان‌ها، قبطی و یهودیان تشکیل شده است. بنابراین، سطوح شدید محلی‌گرایی در سراسر سوریه مشخصه کلیدی و مهم بافتار سوریه به شمار می‌رود (Prinz, 2010: 7-8).

بنابراین می‌توان گفت ساختار سیاسی کنونی و الگوی حکومت سوریه به زمان به قدرت رسیدن حافظ اسد در سال ۱۹۷۰ بازمی‌گردد که تا سال ۲۰۰۰، قدرت را در دست داشت. هرچند پس از وی پسرش بشار اسد روی کار آمد که در زمان او تا حدودی آزادسازی مطبوعات و آزادسازی اقتصادی نیز صورت گرفت؛ به گونه‌ای که به برخی از مجلات خصوصی نیز اجازه انتشار داده شد، اما پس از مدتی مجدداً کنترل‌های سیاسی بر سطح جامعه حاکم شد (Nnenna, 2014: 301).

با توجه به احساس محرومیت‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی مردم سوریه و تسری بهار عربی واقعیت این است که تئوری مکعب بحران می‌گوید حتی اگر جنگ در سوریه مهار شود پس‌لرزه‌های جنگ تا سال‌ها ادامه خواهد داشت.

در فوریه ۲۰۱۱، قیام مردم سوریه با این شعار آغاز شد که «مردم سوریه را



تحقیر نکنید». یک ماه بعد، هزاران تن از مردم در شهر جنوبی درعا به خیابان‌ها ریختند و خواستار عدالت و آزادی شدند. پس از تظاهرات درعا، مردم حمص^۱ و سایر شهرهای سوریه به معترضین پیوستند و علیه حکومت به مخالفت برخاستند. لازم به ذکر است که این اعتراضات ابتدا کمتر دارای ماهیتی سیاسی بود و عوامل اقتصادی اجتماعی نقش مهم‌تر را ایفا می‌نمود (Díaz, 2012: 10). اما مردم سوریه پس از سرکوب شدید توسط حکومت، برای نخستین بار در تاریخ معاصر این کشور خواستار اصلاحات سیاسی و اقتصادی واقعی شدند. بدین ترتیب، این نارضایتی‌ها نه تنها در میان اقشار آسیب‌پذیر جامعه بلکه حتی میان اقشار طبقه متوسط نیز شتاب گرفت (Yhan, 2011: 444).

این در حالی بود که قبل از شروع بحران ۲۰۱۱، سازمان ملل متحد هشدار داده بود که بارندگی کم و زیرساخت‌های ناکافی حدود ۲,۳ میلیون نفر از مردم سوریه را با فقر شدید مواجه نموده است (Guo, 2012: 9). به لحاظ بین‌المللی، قیام مردم سوریه در بافتار منطقه‌ای وسیع‌تر بهار عربی ظهور پیدا نمود. شروع این قیام‌ها در تونس در اواخر سال ۲۰۱۰، موج اعتراضات علیه حکومت در سرتاسر آفریقای شمالی و خاورمیانه و در نهایت به سوریه رسید (Darwisheh, 2014: 14). نامتمرکز بودن جنبش اعتراضی مردم سوریه، بقای آن‌ها را در مقابل سرکوب‌های شدید دولت تضمین می‌نمود (Heydemann, 2013: 57).

رژیم دمشق در پاسخ به مواجهه با گسترش اعتراضات، یک استراتژی دوگانه اصلاحات سیاسی اندک در کنار افزایش سرکوب‌ها را دنبال نمود. حکومت در آوریل ۲۰۱۱، حکومت نظامی را لغو نمود و با قصد آغاز یک گفت‌وگوی ملی، وعده اصلاحات داد. این اصلاحات شامل قانون انتخاباتی جدید در جولای ۲۰۱۱، قانون جدید رسانه‌ای در آگوست ۲۰۱۱ و یک قانون اساسی جدید در فوریه ۲۰۱۲ می‌شد. در عین حال، سرکوب نظامی همچنان ادامه پیدا کرد. بنابراین، نه قانون اساسی جدید و نه قوانین جدید هیچ‌یک رابطه مهم بین رژیم و شهروندان سوریه را تغییر نداد (Asseburg, 2012: 31-32). طیف گسترده‌ای از بازیگران مخالف

که ابتدا خواستار درجات مختلف تغییرات سیاسی در سراسر کشور بودند، خواسته مشترک خود را در سرنگونی بشار اسد با یکدیگر در هم آمیختند. در همان زمان، برخی از فعالان اسلامی و گروه‌های مسلح، بر تغییرات سیستماتیک در حکومت کشور پافشاری نمودند و از امتیازات خود در مناطق تحت کنترلشان دفاع کردند. مقامات سوری، مخالفان خود را سکولار و اسلامی و به عنوان توطئه‌گران مورد حمایت خارجی توصیف نمودند و از این گروه‌ها تحت عنوان تروریست یاد کردند (O'Bagy, 2012: 36-37).

براساس اظهارات مقامات ایالات متحده آمریکا از اوایل سال ۲۰۱۱ تا پایان سال ۲۰۱۵، بیش از ۲۵۰۰۰ مبارز خارجی از بیش از ۱۰۰ کشور، شامل حداقل ۴۵۰۰ مبارز از کشورهای غربی، به سوریه سفر کرده و در این درگیری‌ها شرکت نموده‌اند. قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای مانند ایران، ترکیه، کشورهای خلیج فارس، روسیه و ایالات متحده آمریکا هرکدام به این شورش‌ها و بروز بحران و منازعات در سوریه به شیوه‌ای که منافع ملی آن‌ها در اولویت قرار گیرد، پاسخ دادند (McCaul, 2015: 6-7). همان‌گونه که ایران معتقد است بحران سوریه باید از طریق گفت‌وگو حل و فصل شود، به همین دلیل موافقت خود را با طرح صلح شش‌بندی فرستاده ویژه سازمان ملل در سوریه یعنی کوفی عنان، اعلام نمود (Maltzahn, 2015: 60).

ولی حقیقت تلخ این است که فاجعه سوریه باعث انهدام وسیع کشور و تشکیلات زیربنایی آن، کشته شدن بیش از ۲۰۰ هزار نفر و آوارگی ۶/۷ میلیون نفر در داخل و برجای ماندن ۳/۸ میلیون پناهنده و نیاز مبرم ۱۳ میلیون نفر به کمک‌های بشردوستانه را در پی داشته است (Mousavian, March 24, 2015). طی سال‌های گذشته ایالات متحده آمریکا یک برنامه ۵۰ میلیون دلاری برای آموزش و سازماندهی ۵۰۰۰ نفر از معارضین سوری تدارک دید (Belasco, 2014: 49). علی‌رغم توصیه‌های جان مرشایمر از نظریه‌پردازان نوواقع‌گرایی در روابط بین‌الملل، ایالات متحده آمریکا باید مداخلات نظامی خود را به مناطقی محدود نماید که در آن مناطق از منافع استراتژیک حیاتی (اروپا، شمال شرق آسیا و خلیج فارس) برخوردار است، اما دولت اوباما ابتدا در برخورد با جنگ داخلی ویرانگر در سوریه به طور کامل به آن

توصیه‌ها توجهی نمود، هرچند از سال ۲۰۱۲ و مسلح شدن معارضان علیه دولت بشار اسد، محتاطانه‌تر عمل کرد (Cassidy, 2015: 1-3).

در رابطه با دلایل اصلی شکل‌گیری بحران در سوریه و گسترش آن در قالب یک جنگ داخلی، علل و عوامل مختلفی دخالت داشتند که در این مقاله این عوامل در دو محور کلی تحت عنوان عوامل داخلی مانند وضعیت سیاسی و اقتصادی سوریه قبل از شروع بحران ۲۰۱۱ و عوامل خارجی مانند دخالت قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای با تأکید بر ایالات متحده آمریکا بیان خواهند شد.

۲. عوامل داخلی مؤثر در پیدایش بحران سوریه

دولت سوریه قبل از بحران ۲۰۱۱، همچنان آسیب‌پذیر بود. حکومت استبدادی ناپایدار و رکود اقتصادی، فشارهای داخلی قابل توجهی در سراسر جامعه سوریه ایجاد کرده بود. کشور سوریه اتحادیه‌های مختلف محلی و فرقه‌ای بسیاری با رقابت قدرت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی داشت که این احتمال را به وجود آورد که هرگونه درگیری در سوریه به زودی بین‌المللی و طولانی خواهد شد. از این‌رو، وضعیت سیاسی و اقتصادی سوریه منجر به بحران شد که باید ریشه این وضعیت را در ریشه دولت مدرن سوریه و حکومت بعث به رهبری حافظ اسد و جانشین وی حافظ اسد و شکنندگی اقتصاد سوریه جست‌وجو نمود.

اوضاع سیاسی: حزب بعث در سوریه تقریباً همزمان با حزب بعث عراق و در سال ۱۹۶۳، طی یک کودتا قدرت را در سوریه به دست گرفت. درگیری‌های درون حزبی به مدت هفت سال سوریه را به خود مشغول نمود و سرانجام در ۱۹۷۰، حافظ اسد توانست قدرت را در این کشور به دست گیرد. حافظ اسد و دولت بعث سوریه به عنوان یک حکومت سکولار، از همان ابتدا رویه‌ای سرکوبگرانه را در قبال اپوزیسیون و خصوصاً اخوان المسلمین شاخه سوریه در پیش گرفتند (Pierret, 2014: 2). این رویه خصوصاً در کشتار ۱۹۸۲ شهر حما^۱ نمودی عیان یافت. ماهیت جنگ قدرت در سوریه در کشتار خونین حما به خوبی

1. Hama

دیده می‌شود. در یک سو اپوزیسیون اسلام‌گرای سنی مذهب به رهبری اخوان المسلمین قرارداد و در سوی دیگر، حکومت علوی مذهب و سکولار (Wiedl, 2006: 24). عامل دیگر، فساد مالی و اداری است. گفته می‌شود که قدرت، میل به فساد داشته و قدرت متمرکز نیز به تمرکز و گسترش فساد میل خواهد کرد. سوریه مانند دیگر کشورهای خاورمیانه ای شاهد انباشت بیمارگونه و غیرمتعادل ثروت در دست اقلیت حاکم است. وضعیت اقتصادی در سال های اخیر به واسطه تلاش دولت اسد در نیل به استانداردهای بازار آزاد و دور شدن از حمایت‌گرایی بدتر نیز شده است. دولت اسد مانند بسیاری از دیگر دولت‌های در حال توسعه با هدف ورود به عرصه رقابت اقتصادی جهانی، دست به قطع یارانه کالاهای مصرفی و نیز کاهش حمایت از محصولات کشاورزی و صنعتی تولید داخل زد که این وضعیت به افت شدید استاندارد زندگی در سال‌های اخیر و افزایش نارضایتی عمومی انجامید (Raphaeli, 2007: 38). دولت بعث سوریه از همان ابتدا رویکردی نظامی به سرکوب قیام اتخاذ نمود. با این وجود، با تداوم سرکوب‌ها و گسترش خشونت‌ها، ریزش‌هایی مشهود در بدنه ارتش بعث دیده شد؛ چرا که ارتشیان بریده از دولت به شورشیان پیوسته و ارتش آزاد سوریه را تشکیل دادند (Arimatsu and Choudhury, 2014: 9).

اوضاع اقتصادی: با اجرای الگوی اقتصاد آزاد یا نولیبرالیسم، در دوران حافظ اسد فضای محدودی در اختیار بخش خصوصی قرار گرفت. پس از آن برای حل بحران ارز خارجی، برنامه‌های ریاضت اقتصادی در پیش گرفته شد و هزینه‌های عمومی کاهش یافت، از آن طرف دولت فعالانه بخش خصوصی را تشویق کرد تا در توسعه اقتصادی نقشی مرکزی به عهده گیرد، اما قسمت‌هایی از بخش خصوصی که برای بقا به سیاست‌های حمایتی دولت نیاز داشت، شکست خورد (Kadri, 2012: 20).

این سیاست‌ها در دوران بشار اسد از سال ۲۰۰۰ به این طرف هم ادامه یافتند. در ژوئن ۲۰۰۵، در جریان دهمین کنگره منطقه‌ای حزب بعث، اقتصاد بازار آزاد سوسیالیستی به‌عنوان مدل اقتصادی جدید سوریه معرفی شد. در زمان او قیمت‌ها



بطور وسیعی آزادسازی شدند، تجارت و سیستم مبادله نرخ ارز ساده سازی و آزاد شدند (De Juan and Bank, 2013: 11). از این رو، با افزایش قیمت‌ها و سطح پایین درآمد و همچنین کاهش تولید محصولات کشاورزی، فقر به ویژه در مناطق روستایی شرقی و شمالی افزایش پیدا کرد. در نتیجه، با فروپاشی اقتصاد، در محدوده سال‌های ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۱ که آغاز بحران‌های داخلی سوریه است، شاهد یک افزایش در میزان جمعیت بیکار جوان هستیم که حکم باروتی آماده برای بهره‌برداری جنگ‌افروزان منطقه را دارد که نمونه‌های متأخر آن را در طالبان، القاعده و داعش مشاهده و تجربه کردیم (Butter, 2015: 8). بنابر اعتقاد رابرت تدگر،^۱ محرومیت اقتصادی پرخاشگری را تشدید می‌کند (Saleh, 2013: 157). به نظر می‌رسد در کشورهای غیردموکراتیک که حاکمیت تمامی راه‌های مسالمت‌آمیز را برای ابراز مخالفت مسدود می‌کند، به غیر از روش‌های ستیزه‌جویانه از جمله ترور، راهی برای مخالفان باقی نمی‌ماند.

در خصوص آسیب‌پذیری جامعه سوریه و خطر سرایت بحران می‌توان گفت با شروع بحران‌های سال ۲۰۱۱، جامعه و دولت سوریه به شدت آسیب‌پذیر شد و این آسیب‌پذیری نه تنها از درون نظام سیاسی خود سوریه بلکه از اتحاد‌های سیاسی آن و دشمنی منطقه‌ای و بین‌المللی برآمد. قدرت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی، سوریه را به عنوان حوزه نفوذ خویش در نظر می‌گرفتند و سیاست‌های داخلی خود را از تهدید ثباتشان بر حذر می‌داشتند. بدین ترتیب، سوریه به عنوان بخش کلیدی و مهم خاورمیانه می‌توانست قدرت آن‌ها را تحکیم و یا تضعیف نماید (Krokowska, 2011: 91).

۳. تحلیل بحران سوریه براساس مدل مکعب بحران

براساس مکعب بحران که در چهارچوب مفهومی در مورد خصوصیات آن توضیح داده شد، می‌توان از ابتدای شکل‌گیری بحران در سوریه تاکنون چهار نوع شرایط بحرانی را طی چهار مقطع متفاوت، از یکدیگر تفکیک نمود.

۱. نقطه C، بحران کند یا بطئی: در این نوع بحران، معمولاً سطوح میانه و

1. Robert Tedgar

خرد تصمیم‌گیری و در صورت نیاز با مشورت با سطوح بلند اقدام می‌نمایند. به دلیل اینکه وقت زیاد در اختیار تصمیم‌گیرندگان است، آنان می‌توانند به اقدامات بوروکراتیک و مشورت دست بزنند. مثال بارز در این مورد سقوط خروشچف در ۱۹۸۴ برای امریکا است که بسیار طبیعی به نظر می‌رسید که در چنین وضعیتی، تصمیم‌گیران فرصت کافی برای جمع‌آوری اطلاعات و بحث و گفت‌وگو داشته باشند؛ به‌ویژه آنکه به دلیل جدی نبودن تهدید، افراد کمتر دچار اضطراب و دستپاچگی شدند و بهتر توانستند تصمیم‌گیری کنند. بنابراین، به دلیل اینکه در این نوع بحران، تهدید خفیف و زمان هم برای تصمیم‌گیری بلند است، این موضوع طی اقدامات بوروکراتیک رد و بدل شده و طرح‌های زیاد مطرح می‌شوند. تا اینکه بحران به فراموشی سپرده شده و سبب می‌شود تا بار دیگر این بحران با شدت بیشتر و غیرقابل مدیریت ظهور نماید (Hermann, 1969: 417).

سوریه در سال ۲۰۱۱ و با آغاز اعتراضات مردم نسبت به وضعیت اجتماعی و اقتصادی، بحران کند یا بطئی را تجربه نمود. محرومیت سیاسی و اقتصادی و همچنین فرهنگ خشونت‌ساختاری در جامعه باعث شکل گرفتن بحران کند براساس مدل مکعب بحران در سوریه شد. چرا که این اعتراضات در ابتدا نه تنها ماهیتی سیاسی نداشت بلکه دارای ماهیتی مسالمت‌آمیز بود، به همین دلیل تهدید چندانی را متوجه دولت نمی‌کرد. در این زمان دولت سوریه زمان کافی برای تصمیم‌گیری در اختیار داشت تا بتواند با تحقق خواسته‌های مردم و اعمال اصلاحات از گسترش اعتراضات جلوگیری نماید. از این‌رو، با اعمال برخی اصلاحات جزئی و مقطعی از سوی دولت، این تصور می‌رفت که بحران به فراموشی سپرده شود، اما با گسترش اعتراضات و سطح سرکوب رژیم، بحرانی با شدت بیشتر ظهور نمود.

۲. نقطه D، بحران ویژه یا موردی: در این نوع بحران‌ها، طرح از قبل تهیه شده و زمان برای مشورت وجود ندارد. اطلاعات باید زود به دست آیند. هدف اساسی در مدیریت این نوع بحران‌ها این است که باید طوری مدیریت شوند تا به مرحله بعد صعود نمایند. مثل گروگان‌گیری اتباع یک کشور که می‌توان به

گروگان‌گیری گروه فلسطینی سپتامبر سیاه اشاره نمود. این گروه هنگامی که دیپلمات‌های امریکایی و یک دیپلمات بلژیکی در سفارت عربستان سعودی در خارطوم سودان مهمان بودند، این سفارت را هدف حمله قرار دادند و همه این دیپلمات‌ها را گروگان گرفتند. با انکار مذاکره از سوی نیکسون، رئیس‌جمهور امریکا این سه نفر جان خود را از دست دادند و گروگانگیران هم در دادگاه‌های سودان محاکمه شدند. نمونه بارزتر در خصوص این بحران شورش مجارستان است که در پی مرگ استالین و برنامه استالین‌زدایی خروشچف رخ داد و این جریان در اکتبر ۱۹۵۶ در مجارستان سبب شد مردم در مراسم اعاده حیثیت به لاسلو راجیک یکی از رهبران پیشین کمونیست و قربانی تصفیه‌های استالینی تظاهراتی را علیه دولت وقت، به راه بیاندازند و مردم خواهان بازگشت ایمر ناگی به قدرت شدند. روس‌ها ابتدا با این امر موافقت نمودند و با به قدرت رساندن ناگی مردم را به آرامش دعوت کردند. اما با بالا گرفتن اعتراضات استقلال طلبانه مردم مجارستان علیه شوروی، نیروهای پیمان ورشو این کشور را اشغال و قیام مردم را در هم شکستند که در این جریان حدود هزاران تن کشته، زخمی و تیرباران شدند. این مثال‌ها نمایانگر این است که در چنین حالتی اگر تصمیم‌گیری درست انجام نشود، بحران می‌تواند تشدید شده و تهدید زیادی را متوجه تصمیم‌گیران کند. غالباً چون تهدید زیاد نیست تصمیم‌گیران به آن توجه کافی نمی‌کنند، در نتیجه بعداً گرفتار می‌شوند. پس سرعت عمل در مدیریت این نوع بحران‌ها شرط اساسی است (Hermann, 1969: 418). با گسترش اعتراضات دولت به دلیل ترس از دست دادن مشروعیت خود، به سرکوب معترضین پرداخت که این امر با مسلح شدن معارضین و افزایش سطح خشونت علیه غیرنظامیان همراه بود. در این مقطع بود که سوریه با بحران ویژه یا موردی مواجه شد، که علی‌رغم تهدید نه چندان زیاد، اما به دلیل ناآگاهی و زمان اندک برای تصمیم‌گیری، دولت سوریه قادر نبود این نوع بحران را مدیریت کند. در نتیجه بحران به مرحله بالاتر صعود پیدا کرد و کنترل از دست دولت مرکزی خارج شد. در صورتی که دولت سوریه می‌توانست از طریق مذاکره و گفت‌وگو با مخالفین، از شدت یافتن بحران

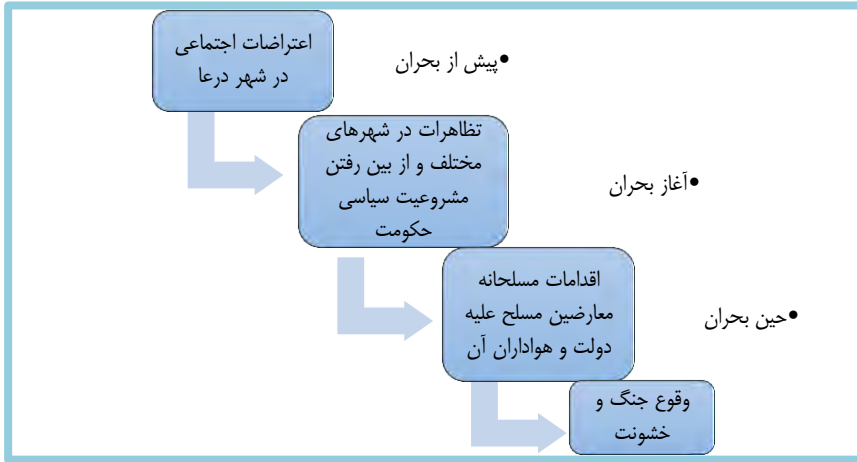
جلوگیری کند، اما به دلیل غافلگیری و زمان کوتاه برای تصمیم‌گیری نتوانست براساس طرحی از قبل تهیه شده به مدیریت بحران بپردازد.

۳. نقطه B، بحران نوظهور: بحرانی که در این نقطه و یا اطراف آن قرار دارد، منافع و اهداف بنیادین بازیگر را مورد تهدید قرار می‌دهد، اما به دلیل اینکه وقت کافی در اختیار بازیگران است، طرح‌های زیاد مطرح می‌شود و همچنان سطوح میانی و خرد تصمیم‌گیری با مشورت با سطوح بلند اقدام می‌نمایند. به عنوان مثال در سال ۱۹۴۶، انگلستان طی نامه‌ای برای امریکا اعلان کرد که این کشور دیگر قادر نیست تا با دیگر کشورهای اروپایی و ترکیه همکاری اقتصادی نماید. این واقعه برای امریکا یک بحران بود به دلیل اینکه در صورت عدم همکاری به کشورهای نیازمند، امکان نفوذ کمونیزم در آن کشورها زیاد بود. با این حال، امریکا برای تصمیم‌گیری و اقدام وقت کافی در اختیار داشت. به همین دلیل، طرح مارشال طراحی شد و از طریق همین طرح، کمک‌های امریکا به اروپا انجام گرفت. مثال دیگر، بحران ترکیه و یونان است که در این بحران، قسمتی از جزیره قبرس توسط نیروهای ترکیه و به بهانه حمایت از ترک‌های قبرس اشغال شد. همان‌گونه که مثال‌های فوق نشان می‌دهند، بدیهی است که تصمیم‌گیران باید از این فرصت برای جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل اطلاعات و یافتن گزینه مناسب از میان راه‌حل‌های گوناگون به بهترین وجه استفاده کنند. در این نوع بحران‌ها، رسیدن به اجماع به دلیل موجودیت طرح‌های زیاد مشکل است (Hermann, 1969: 417). پس از افزایش سطح خشونت علیه غیرنظامیان، استفاده ابزاری از هویت فرقه‌ای، مذهبی و هویت‌های قومی و از دست دادن کنترل حکومت در سرتاسر مناطق، پیدایش گروه‌های نوظهور افراطی از جمله داعش و نظامی کردن مخالفان و حضور بازیگران افراط‌گرا، سطح ناامنی در سوریه را به شدت افزایش داد و بر شمار آوارگان روز به روز افزوده شد. در این مقطع سوریه با نوع دیگری از بحران یعنی بحران نوظهور دست و پنجه نرم کرد. اگرچه طرح‌های زیادی برای مقابله با این گروه افراطی نوظهور مطرح شد، اما به دلیل عدم اجماع بین بازیگران مختلف نه تنها هیچ‌یک از آن طرح‌ها به سرانجامی نرسید بلکه براساس مکعب بحران،

بحران سوریه به حادثترین مرحله خود یعنی شرایط کاملاً بحرانی وارد شد.

۴. نقطه A، وضعیت کاملاً بحرانی: بحرانی که در این نقطه و یا اطراف آن قرار دارد، منافع و اهداف حیاتی بازیگر را مورد تهدید قرار داده و سطوح بلند تصمیم‌گیری در مورد آن تصمیم اتخاذ می‌کنند. مدت زمان برای مشورت و اقدامات بوروکراتیک وجود ندارد و بازیگران با فقدان اطلاعات مؤثق و طرح از قبل آماده شده برای مدیریت مواجه هستند (Hermann, 1969: 416). در این وضعیت تهدید شدید، زمان کوتاه و غافلگیری مثل زلزله‌های مخرب یا بحران کره است. در این وضعیت هدف‌های عمده به خطر افتاده و تهدیدات اساسی و فرصت برای تصمیم‌گیری نیز بسیار کم است و حادثه پیش آمده کاملاً غیرمنتظره بوده و همه را غافلگیر کرده است. در چنین وضعیتی دیگر نمی‌توان از روش‌های معمول برای نشان دادن عکس‌العمل استفاده کرد. مدیریت در چنین حالتی بیش از هر چیز به تجربه، مهارت، سرعت، هوشمندی، خلاقیت و موقعیت‌سنجی نیاز دارد. از آنجا که فرصت کافی برای جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل اطلاعات نیست، باید هرچه سریعتر با توجه به اطلاعات موجود موضوع ارزیابی و نسبت به آن اقدام شود. پس از شکست ژاپن در جنگ جهانی دوم، کره به وسیله آمریکا و شوروی سابق اشغال شد، جنوب در اشغال آمریکا و شمال در اشغال شوروی قرار گرفت و هرکدام دولتی دست‌نشانده در قسمت خود پدید آوردند. پس از جنگ دو کره، قوای کره شمالی با سرعت فراوان پیشروی کرده و نزدیک بود رژیم کره جنوبی را سرنگون کنند ولی ژنرال مک آرتور معروف به فاتح ژاپن با صدها هزار سرباز امریکایی توانست در بنادر کره شمالی پیاده شده و قوای کره شمالی را مجبور به عقب‌نشینی کند.

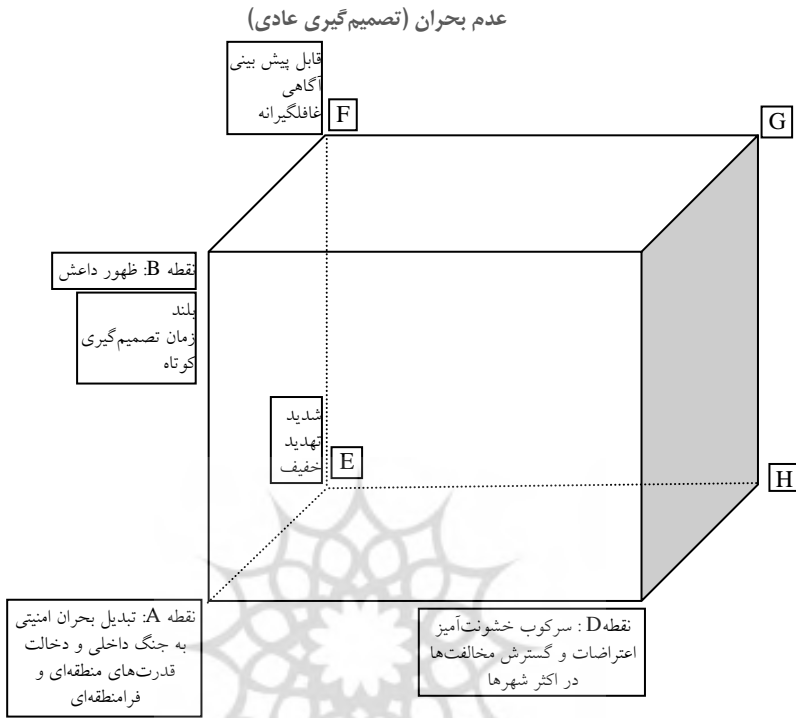
نمودار ۱- تحلیل فرآیند و مراحل بحران در سوریه



منبع: نگارندگان

و اما در مورد سوریه می‌توان گفت، اکنون با استخدام و نیروگیری توسط گروه‌های افراطی و رادیکال و همچنین سطح نفوذ و حضور بازیگران غیردولتی افراطی که مهم‌ترین آن‌ها داعش است، و دخالت برخی قدرت‌های فرامنطقه‌ای مانند ایالات متحده آمریکا و قدرت‌های منطقه‌ای مانند عربستان سعودی، سوریه وارد نوع دیگری از بحران یعنی نقطه A و وضعیت کاملاً بحرانی شده است که به دلیل عدم مدیریت شرایط بحرانی در مراحل قبل، به یک جنگ داخلی تبدیل شده است که نه تنها کل منطقه بلکه کل جهان را تحت تأثیر خود قرار داده است.

همان‌گونه که بحران در سوریه به ششمین سال خود وارد می‌شود، بر فهرست چالش‌ها به عنوان مانعی برای صلح‌سازی و ثبات‌سازی، روز به روز افزوده می‌شود. در حال حاضر، سوریه توسط خشونت، آوارگی در مقیاس بزرگ، فرقه‌گرایی، افراط‌گرایی، تقسیم اراضی و فروپاشی مهم‌ترین زیرساخت‌ها به ستوه آمده است. اقتصاد فلج و کنترل اکثر منابع طبیعی به دست گروه‌های افراط‌گرا افتاده است، همچنین تعدادی از بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی به طور مداوم درگیر منازعات هستند. آن چه که باعث شده است منازعات سوریه لاینحل به نظر برسد، تنها به دلیل وجود مشکلات متعدد نیست بلکه در هم تنیدگی چنین مسائل و مشکلاتی و عدم مدیریت صحیح آن در همان مراحل اولیه بحران است.



منبع: نگارندگان

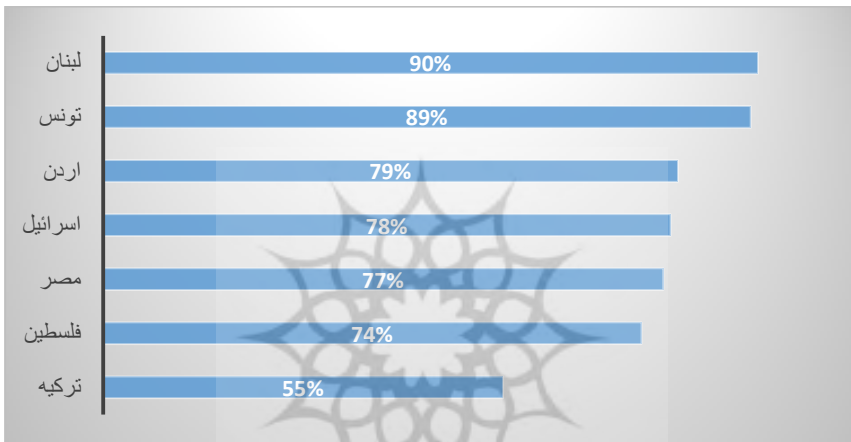
همان گونه که در مدل فوق مشاهده می‌کنیم، ناکارآمدی در مدیریت بحران در سه سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی، تبعات قابل توجهی بر سوریه و منطقه و حتی سطح بین‌المللی داشته است و با عدم مدیریت آن در سطح ملی یعنی نقطه C، بحران به ترتیب به نقاط D و B سرایت پیدا نمود و باعث تبدیل بحران امنیتی به جنگ داخلی و دخالت قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای و نقطه A به عنوان بحرانی‌ترین مرحله هر بحرانی انجامید. از جمله تبعات داخلی استمرار بحران، قدرت‌گیری جریان‌های افراطی بوده است. داعش، جبهه النصره و سایر جریان‌های مرتبط با آن‌ها در فضایی رشد کردند که راه‌حل سیاسی دور از دسترس بود و اطراف درگیر بر راه‌حل نظامی تأکید می‌کردند. واقعیت این است که جنگ، حتی باعث افراطی شدن نیروهای میانه‌رو می‌شود که جنگ داخلی سوریه نیز از این قاعده مستثنی نیست. دیگر برون‌داد استمرار بحران، تشدید بحران بوده است، به

طوری که در یک سیر صعودی از خشونت پیوسته، بحران سوریه پیچیده‌تر، پرهزینه‌تر و در مجموع خشونت‌آمیزتر شد. براساس مکعب بحران یادشده، بحران با تداوم خود، معمای امنیت را به بار آورده و خشونت را تشدید کرده است. گرایش جریان‌های مختلف به کاربرد ابزارها و تاکتیک‌های خشن‌تر، زمینه تشدید بحران را فراهم کرده است. به عبارتی، هرگونه کنش از سوی هریک از اطراف، واکنش‌هایی از سوی طرف مقابل برانگیخت و به تشدید خشونت و افزایش هزینه‌ها انجامید. این همان معمای امنیتی است که در پنج سال اخیر سوریه را فراگرفته است. همچنین، تبدیل شدن سوریه به صحنه‌ای برای رویارویی‌های منطقه‌ای و چانه‌زنی‌های بین‌المللی نیز در تشدید بحران بی‌تأثیر نبوده است. به عبارتی، سوریه تبدیل به زمین سوخته‌ای شده است که بازیگران مختلف منطقه‌ای در تلاش هستند از طریق آن با ایران و متحدان آن به تسویه حساب پرداخته و تلاش دارند آن‌ها را از پا درآورند. سومین برونداد ناکامی در مدیریت بحران، افزایش تعداد بازیگران درگیر در بحران سوریه است. هنگامی که بحران در سال ۲۰۱۱ آغاز شد، تعداد معدودی بازیگر داخلی در آن دخیل بودند اما به تدریج بازیگران داخلی متعدد شدند. با پیدایش ابعاد منطقه‌ای و سپس بین‌المللی در بحران سوریه، بر تعداد بازیگران نیز افزوده شد و در نتیجه بحران سوریه با برنامه‌های مختلفی در سطوح سه‌گانه یادشده (نقاط C, D و E) روبه‌رو شد و به دلیل عدم مدیریت سریع و سرعت عمل در تصمیم‌گیری در این مراحل، بحران به نقطه A یعنی بحرانی‌ترین مرحله خود صعود پیدا نمود. متعاقباً این امر به نوبه خود نه تنها بر پیچیدگی‌های بحران افزود بلکه دشواری مرتفع ساختن آن و همچنین احتمال سرایت آن به سایر نقاط منطقه را دوچندان کرد.

به همین دلیل بسیاری از کشورهای خاورمیانه از گسترش بحران و جنگ و خشونت توسط افراط‌گرایان در سوریه بسیار نگران هستند. در رأس این کشورها لبنان، تونس، اردن، اسرائیل، مصر، فلسطین و ترکیه قرار دارند که همانگونه که شواهد سرایت بحران به عراق نشان داد، احتمال سرایت بحران در سوریه را به کشورهای خود می‌دهند (Laub, 2013: 4). یکی از کشورهایی که بیشترین درصد

ابراز نگرانی را به خود اختصاص می‌دهد لبنان و ترکیه است؛ چرا که به خاطر هم‌مرز بودن با سوریه بسیاری از پناهندگان سوری به سمت این کشور حرکت کرده‌اند؛ بطوریکه ۵۵٪ از جمعیت ترکیه در خصوص سرایت خشونت به کشور خود ابراز نگرانی نموده‌اند (Danish Red Cross, 2015: 24-27). همچنین افراط‌گرایی جوانان سوری در اردوگاه‌های پناهندگان در اردن و گسترش ایده‌های افراطی از علل اصلی نگرانی اردن به شمار می‌رود (Dacey, 2016: 2-4).

نمودار ۳- آمار و درصد نگرانی کشورهای همسایه در مورد سرایت خشونت سوریه به کشورهایشان



منبع: نگارندگان

از یک چشم‌انداز کلی باید بیان نمود که پافشاری بیش از حد انگلیس و فرانسه برای ارسال تجهیزات سنگین نظامی برای شورشیان سوری و سهل‌انگاری کشورهای غربی در انتقال افراطیون حاضر در آمریکا و اروپا به سوریه برای جنگ علیه اسد و همچنین چشم بستن بر سرازیر شدن پول‌های هنگفت از سوی کشورهای عربی به حساب شورشیان، به خوبی نشان می‌دهد که نقش این کشورها در تشدید بحران سوریه و شکل‌گیری گروه‌های افراطی در آن و انتقال این ناآرامی‌ها به عراق غیرقابل انکار است که لازم است در خصوص موضع برخی از مهم‌ترین بازیگران کلیدی در قبال بحران سوریه بررسی صورت بگیرد.

۴. سناریوهای راه‌حل بحران در سوریه

اگر بخواهیم برای حل بحران سوریه سناریوهایی را ترسیم نماییم، براساس نتایج بازی‌ها می‌توان چهار سناریو را به عنوان راه‌حل بحران سوریه در نظر گرفت. از آنجایی که در بحران سوریه بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای نیز درگیر هستند، می‌توان بحران کنونی سوریه را به عنوان یک بازی در نظر گرفت؛ چرا که ایران، روسیه و حزب‌الله به عنوان حامیان بشار اسد در یک طرف بازی (A) و ایالات متحده آمریکا و متحدانش از جمله عربستان سعودی از طرف دیگر (B) دو قطب این بازی را تشکیل می‌دهند. از این‌رو، می‌توان بازی‌ها را براساس نتایجشان بر چهار دسته: ۱. بازی‌های برد (A) - باخت (B)، ۲. بازی‌های باخت (A) - برد (B)، ۳. بازی‌های برد (A) - برد (B) و ۴. بازی‌های باخت (A) - باخت (B) تقسیم نمود. به عبارت دیگر، بازی‌های برد - باخت و بازی‌های باخت - برد، در زیر مجموعه بازی‌های با جمع صفر قرار می‌گیرد. بدین معنا که در این نوع بازی‌ها شانس و اقبال بازیگران به طور معکوس به یکدیگر گره خورده است و برد یکی از بازیگران به معنی باخت دیگری است. اما در بازی‌های با جمع غیر صفر، منافع دو طرف به طور کامل در تضاد با یکدیگر است. بر این اساس بازی با جمع غیر صفر خواهد بود و نتیجه این بازی، بسته به اینکه طرفین چه استراتژی را انتخاب کنند، می‌تواند برد - برد یا باخت - باخت باشد. بدین ترتیب، با توجه به توضیحات فوق و همچنین در نظر گرفتن دو قطب متفاوت از بازیگران به تحلیل و ارزیابی هریک از سناریوهای محتمل فوق براساس نتایج بازی در بحران سوریه می‌پردازیم.

۱. برد (A) - باخت (B): همانگونه که واضح است، نتیجه برد - باخت نیز زمانی رخ می‌دهد که تنها یکی از طرفین احساس کند که بازی را برده است. بنابراین، در چنین شرایطی انتظار نمی‌رود هر دو طرف بدون ابراز شک و تردید نتیجه بازی را بپذیرند. پروسه‌های چانه‌زنی توزیعی^(۱) که براساس اصل رقابت بین مشارکت‌کنندگان است، بیش از پروسه‌های ادغامی^(۲) منجر به نتیجه برد - باخت می‌شوند؛ پروسه‌های توزیعی، همچنین ممکن است باعث شوند که هریک از

طرفین آنچه را که انتظار داشته کسب کند، اما نه به اندازه ای که در پروسه ادغامی می‌توانستند به دست آورند. حال براساس سناریوی برد- باخت این احتمال وجود دارد که ائتلاف ایران، روسیه، ارتش سوریه و حزب الله لبنان، به پیروزی رسیده و تمام سرزمین و یا قسمت قابل توجهی از مناطق سوریه تحت کنترل کامل این ائتلاف درآید. از سوی دیگر ایالات متحده امریکا و متحدانش در تحقق اهداف و برنامه‌های خود در خصوص سوریه ناکام بمانند که در صورت عملی شدن چنین احتمالی، تسلط ایران بر خاورمیانه افزایش پیدا خواهد کرد؛ چرا که جنگ یمن، عراق و خصوصا سوریه برای ایران تجربه جنگ نیابتی تمام عیار را به ارمغان آورده و بدون شک این مسئله بر تصمیمات آینده ایران در خاورمیانه تأثیرگذار خواهد بود و ایران را به بازیگران قدرتمند منطقه‌ای تبدیل خواهد نمود. ولی آیا امریکا، اروپا و کشورهایمانند ترکیه و عربستان به این نتیجه رضایت خواهند داد؟ پاسخ منفی است.

۲. باخت (A) - برد (B): احتمال دوم که به نظر بسیار بعید می‌آید، شکست کامل ائتلاف ایران، روسیه، ارتش سوریه و حزب الله لبنان و به تبع آن جامه عمل پوشیدن به خواسته ایالات متحده امریکا و متحدانش از جمله عربستان سعودی را در بر دارد که فکر تجزیه سوریه، برکناری بشار اسد و همچنین مهمتر از همه جلوگیری از استیلای ایران بر منطقه را در سر می‌پرورانند. وقوع این امر سبب تغییر کامل در وضعیت ژئوپلیتیک خاورمیانه خواهد شد. اگر چنین نتیجه‌ای ممکن بود، قطعاً تاکنون حاصل شده بود. نتیجه حمایت‌های غربی و عربی از مخالفان بشار اسد، ظهور تروریسم و داعش بوده است. پس این گزینه نیز غیرعملی است.

۳. نتیجه برد (A) - برد (B) زمانی حاصل می‌شود که هریک از طرفین بازی احساس کنند که آن‌ها بازی را برده‌اند. به دلیل اینکه هر دو طرف بازی از چنین نتیجه‌ای نفع می‌برند، هر دو طرف این نتیجه را خواهند پذیرفت. هدف پروسه چانه زنی ادغامی این است که از طریق همکاری به این هدف نایل آید. امریکا تاکنون از هرگونه اقدام جدی در خصوص سوریه خودداری کرده و ترجیح داده است که روسیه را به حال خود بگذارد تا طعم تلخ سیاست هایش را بچشد. روسیه

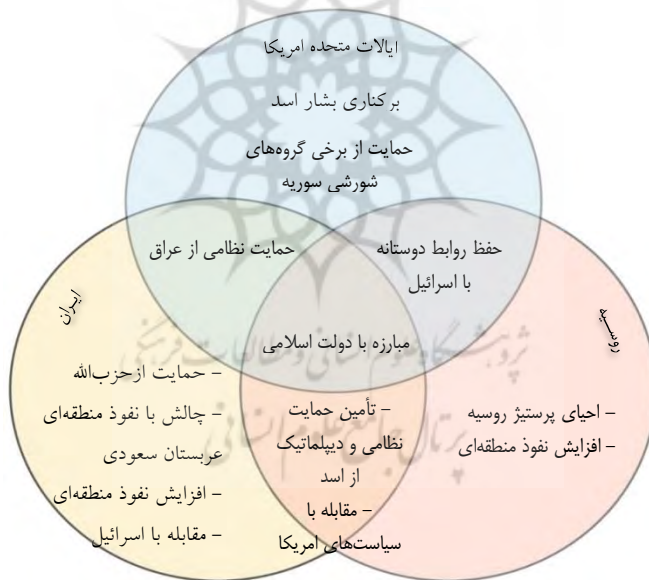
به زودی و یا دست کم در نهایت و به احتمال زیاد با کاربرد گسترده موشک‌های سبک ضدهوایی روبرو خواهد شد که اتحاد جماهیر شوروی در افغانستان آن را تجربه کرد (Aleksashenko, 2015: 7). در آن صورت، بهای عملیات نظامی روسیه در سوریه به شدت بالا خواهد رفت. اما این اتفاق تغییری در منافع راهبردی روسیه یا ایران در سوریه ایجاد نخواهد کرد. سوریه مدت زمان زیادی است که خریدار سلاح‌های روسی بوده که این روند از سال ۲۰۰۰ افزایش یافت (Klein, 2012: 3). فراتر از بحث تسلیحات می‌توان گفت که شرکت‌های روسی از سال ۲۰۰۹، تقریباً ۲۰ میلیارد دلار در سوریه سرمایه‌گذاری کرده‌اند و در صورت شکست بشار اسد، چنین قراردادهای و وام‌های روسیه به اسد از دست می‌رفت (Ayas, 2015: 2). در هر صورت، طرح استراتژی برای هدفی که اصلاً وجود ندارد، کاری غیرممکن است (Aleksashenko, 2015: 5). بنابراین، باید توجه داشت ائتلاف بین‌المللی به رهبری ایالات متحده حداقل تا پایان سال اول ریاست جمهوری جدید این کشور، فاقد برنامه بلندمدت و مدون بوده و به اصطلاح در پی ایجاد توازن میان نیروهای درگیر در سوریه است و در صورت قرارگرفتن در شرایط انتخاب، با وجود اختلاف در اهداف با ایران و روسیه، احتمال گرایش ایالات متحده به وضعیت و سناریوی اول که در ابتدای بحث مورد اشاره قرارگرفت، بیشتر از سایر رخدادهای تنها راه‌حل بحران است.

۴. نتیجه باخت (A) - باخت (B) بدین مفهوم است که هر دو طرف نتیجه دلخواه را به دست نمی‌آورند. مثال چنین بازی، مذاکرات منجر به کاهش بودجه است که در آن همه سازمان‌ها و نهادها به یک اندازه زیان می‌بینند. در برخی از بازی‌های باخت - باخت دو طرف می‌پذیرند که این زیان‌ها اجتناب‌ناپذیر هستند و به یک نسبت میان طرفین تقسیم می‌شوند. در چنین شرایطی، نتیجه باخت - باخت بعضاً بر نتیجه برد - باخت ارجحیت دارد، زیرا حداقل توزیع زیان عادلانه صورت گرفته است.

بر این اساس، می‌توان اینگونه استدلال نمود که در صورت عدم تحقق سناریوی سوم و عدم ائتلاف ایالات متحده آمریکا با سوریه و ایران، که در حال

حاضر تنها راه حل بحران سوریه است، شاهد نتیجه باخت- باخت در این بازی خواهیم بود. به این معنا که تجزیه کامل سوریه به چند کشور یا اقلیم علوی، کرد و مهمتر از همه سلفی تکفیری رخ خواهد داد که بدترین نتیجه آن، نوعی رسمیت بخشی به گروه‌های تروریستی است که به نفع هیچ یک از بازیگران درگیر در بحران سوریه نخواهد بود. اینکه کدام گروه تروریستی به این موفقیت نایل شود، تفاوت چندان در شرایط منطقه ای نخواهد داشت، اما مسئله مهم تهدید بالقوه این وضعیت برای تمام کشورهای خاورمیانه است و در این بین تفاوتی میان ایران، روسیه، ایالات متحده امریکا، عربستان و حتی اسرائیل وجود نخواهد داشت و حتی عربستان نیز نمی تواند به طور کامل قدرت تروریستی فوق الذکر را دوست خود بشمارد.

نمودار ۴- سناریوی سوم



منبع: نگارندگان

همان گونه که در شکل فوق مشاهده می شود، هریک از سه بازیگر دخیل، از منافع متقارن و نامتقارنی در بحران سوریه برخوردار هستند که می توانند از آن‌ها در جهت متعادل کردن شرایط جدید منطقه و پایان دادن به بحران سوریه استفاده

نمایند. هرچند هریک از این بازیگران باید به این واقعیت مهم نیز توجه داشته باشد که دامنه نقش آفرینی در خارج از مرزهای ملی نیازمند هدایت و مدیریت مناسب بازی در کنار پذیرش نسبی نقش سایر بازیگران در روند موجود است؛ یعنی تلاش ایران و روسیه در جهت افزایش و تثبیت نفوذ منطقه‌ای خود باید با در نظر گرفتن شرایط منطقه‌ای و خواسته‌های سایر بازیگران صورت پذیرد. ایالات متحده آمریکا، روسیه و ایران باید با مدنظر قراردادن سناریوی سوم و نتیجه برد- برد، با توافق با یکدیگر ابتدا دولت سوریه را تشویق به انجام اصلاحات اساسی و انجام مذاکرات سازنده با تمامی گروه‌های مخالف نمایند. آنها در وهله نخست باید بر تهدید واقعی تروریسم براساس قطعنامه‌های سازمان ملل تمرکز نمایند؛ زیرا همه بازیگران ذینفع در منطقه در این هدف متفق می‌شوند. سپس خشونت‌ها را کاهش داد و بعد از آن از طریق کاهش خشونت‌ها سعی کرد تا حد ممکن به مردم سوریه در داخل و خارج کشور و کسانی که از این مناقشه درد و رنج زیادی متحمل شده‌اند، دسترسی پیدا کرد. هرگونه راه حل بحران سوریه نیاز مبرم به واقع‌گرایی و عمل‌گرایی در کنار هم دارد. در این میان، نقش کلیدی بشار اسد، یک عامل واقع‌گرایانه برای حل بحران سوریه تلقی می‌شود. به رسمیت شناختن این حقیقت که تهدید فوری بشار اسد نبوده بلکه دولت اسلامی (داعش) و سایر گروه‌های تروریستی است، بسیار حایز اهمیت می‌باشد. سقوط رژیم بشار اسد بدترین نتیجه برای منافع همه بازیگران ذینفع در سوریه خواهد بود؛ چرا که سوریه را از مؤسسات دولتی باقیمانده محروم ساخته و دست دولت اسلامی و دیگر گروه‌های افراطی را برای شورش و بلوا بازتر می‌کند. تلاش برای پایان دادن به مناقشه، نمی‌تواند به تنهایی توسط هریک از جناح‌های ذیربط یا دخیل در منطقه و فراتر از آن انجام شود؛ بلکه بهترین تلاش‌های سازمان ملل نیز نمی‌تواند بدون خواست و اراده‌ای در پایتخت کشورهای ذینفع به نتیجه برسد. پنج عضو دائم شورای امنیت سازمان ملل و پنج بازیگر منطقه‌ای یعنی ایران، عراق، ترکیه، عربستان سعودی به همراه شورای همکاری خلیج فارس و مصر، در فرایند مهار بحران سوریه نقش بازیگران اصلی را دارند. توافق بر سر

اصول کلی و منطقی نظیر حفظ وحدت و یکپارچگی ارضی سوریه و ذی سهم شدن تمامی مردم سوریه در فرآیند سیاسی، اعلام آتش‌بس با میانجیگری ناظران بین‌المللی، تشکیل یک نهاد اداره‌کننده انتقالی توسط سازمان ملل و تحت نظارت این سازمان می‌تواند چهارچوب کلی فرایند انتقال سوریه از این آنارشی تمام‌عیار به نظم نسبی باشد.

نتیجه‌گیری

بحران‌های موجود در سوریه اغلب از پایین‌ترین سطح به بالاترین سطوح ارتقا پیدا کرده است. یکی از ویژگی‌های بحران‌های خاورمیانه به طور عام و سوریه به طور خاص، افزایش سطح بحران در طول زمان است. در سوریه نظام سیاسی نتوانست اعتراضات مردمی که در ابتدای سال ۲۰۱۱، در شهر درعا رخ داده بود را به خوبی مدیریت کند و این اعتراضات به سرعت به شهرهای مختلف سوریه سرایت پیدا کرد و مشروعیت نظام سیاسی سوریه را تحت‌تأثیر قرارداد و از بین برد. ماهیت اعتراضات مردمی در مدت زمان کوتاهی از مدنی به مسلحانه و خشونت‌آمیز تغییر پیدا کرد و بحران سیاسی به بحران امنیتی تبدیل شد. دخالت گسترده بازیگران دولتی و غیردولتی خارجی و حمایت آن‌ها از معارضان مسلح، توانایی معارضان را در مقابله با نظام سوریه افزایش داد و با ظهور داعش در این منطقه بحران امنیتی به جنگ شبه داخلی تبدیل شد. در نتیجه می‌توان مراحل افزایش سطح بحران در سوریه را به چهار سطح تقسیم نمود. سطح اول اعتراضات اجتماعی درعا به دلیل بدرفتاری مأموران امنیتی؛ سطح دوم بحران سیاسی؛ تظاهرات معترضان در شهرهای مختلف و مخدوش شدن مشروعیت سیاسی؛ سطح سوم بحران امنیتی؛ اقدامات مسلحانه معارضین مسلح علیه دولت و هواداران آن و سطح چهارم جنگ می‌باشد.

براساس مدل مکعب بحران، بحران سوریه در نقطه A و شرایط کاملاً بحرانی قرار دارد. چه بسا اگر بحران در مقاطع قبل که زمان بیشتری برای تصمیم‌گیری وجود داشت، به گونه‌ای صحیح مدیریت می‌شد، سوریه اکنون وارد مرحله پس‌بحران می‌شد و بحران به جنگ داخلی منجر نمی‌شد. ایران، روسیه و ایالات

متحده امریکا به عنوان سه بازیگر مهم و کلیدی در این درگیری، با دستیابی به توافق بین خود خواهند توانست نه تنها از سرایت منازعات مسلحانه به سایر مناطق جلوگیری نمایند بلکه مانع از تبدیل شدن جنگ داخلی سوریه به یک جنگ منطقه‌ای و بین‌المللی شوند. با توجه به آنچه گفته شد، براساس مکعب بحران وضعیت بحران در سوریه را می‌توان این گونه ترسیم کرد:



بنابراین، برای ممانعت از گسترش خشونت‌های مسلحانه به سایر مناطق اگر قدرت‌هایی مانند روسیه، امریکا و ایران در سطح کلان توافق کنند، خواهند توانست دولت‌های منطقه را به تعدیل موضع مجبور نمایند. در این صورت شاید روسیه متقاعد شود در مقابل لغو تحریم‌های امریکا و تأمین خواسته‌های آن در اوکراین، از سیاست‌های خود در سوریه صرف‌نظر کند. همچنین باید اذعان نمود که دولت‌های تأثیرگذار در سطح منطقه‌ای با حرکت به سمت حل بحران، خواهند توانست نقشی مهم و کلیدی را در مدیریت و حل بحران ایفا نمایند. بدین معنا که یک بازیگر با سازش و چشم‌پوشی از نفوذ خود در یک مکان، در ازای گرفتن امتیاز در مکان‌های دیگر، برای حل بحران سوریه اقدام کند که این امر با توجه به ورود بحران سوریه به نقطه A که بحرانی‌ترین مرحله هر بحرانی است، امری بسیار دشوار است. اما به طور کلی می‌توان گفت پس از حمله به پایگاه نظامی الشعیرات در حمص سوریه توسط ایالات متحده امریکا، هرگونه اقدام ایالات متحده امریکا در آینده بدون هیچ‌گونه شکی به شدت تحت‌تأثیر روسیه و ایران قرار خواهد داشت. این کنشگران توسط آنچه که از واشینگتن به گوش آن‌ها می‌رسد و همچنین ارزیابی آن‌ها از مقاصد و تصمیم‌های ایالات متحده امریکا متأثر می‌شوند که این به معنی ادامه یافتن بحران فعلی سوریه و دشواری بیش از حد مدیریت آن است. در نتیجه، هریک از این بازیگران باید به این واقعیت مهم نیز توجه داشته باشد که دامنه نقش‌آفرینی در خارج از مرزهای ملی نیازمند هدایت و مدیریت مناسب بازی در کنار پذیرش نسبی نقش سایر بازیگران در

روند موجود است؛ یعنی تلاش ایران و روسیه در جهت افزایش و تثبیت نفوذ منطقه‌ای خود، باید با در نظر گرفتن شرایط منطقه‌ای و خواسته‌های سایر بازیگران صورت پذیرد.

در خصوص پیامد حمله نظامی امریکا توجه به یک نکته عطف مهم قابل توجه است که می‌توان به یک بازی بزرگ جدید بین امریکا و روسیه در سوریه اشاره نمود که احتمال یک توافق جدید بین امریکا و روسیه را ممکن می‌سازد. به نظر می‌رسد امکان ایجاد تشابه بین علاقه روسیه به خودداری از شعله‌ور شدن آتش یک منازعه بین اسرائیل و حزب‌الله و تلاش‌های ایالات متحده امریکا برای جلوگیری از منازعه بین ترکیه و حزب اتحاد دموکراتیک و شاخه نظامی آن یعنی یگان‌های مدافع خلق ممکن می‌شود. اگر توافق موقتی بین امریکا و روسیه حاصل شود، به خوبی امکان ایجاد مناطق غیررسمی نفوذ که باعث ایجاد تعادل منافع مهم رقابتی ذی‌نفعان مختلف در ژئوپلیتیک پیچیده سوریه از جمله رژیم اسرائیل، ترکیه، ایران، همچنین رژیم سوریه، کردها و عرب‌های سنی می‌شود، فراهم خواهد شد.

از این‌رو، هر یک از سه بازیگر باید نه تنها با یکدیگر وارد مذاکره شده بلکه تعامل بیشتری با یکدیگر برقرار نمایند؛ زیرا آنچه مسلم است هر یک از این بازیگران نیز امنیت خود را در گرو امنیت منطقه و امنیت همسایگان خود می‌داند و بدون شک هیچ‌یک به تنهایی قادر به حل و فصل این بحران سوریه نخواهند بود. بنابراین تعامل سازنده هر یک از بازیگران با سایر رقبای منطقه‌ای می‌تواند در پایان بخشیدن به تحولات سوریه نقش مؤثری ایفا نماید. در حال حاضر، آینده سوریه با تصمیمات قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای گره خورده که اکثراً براساس منطق و مبتنی بر مصالح خود، سوریه را به صفحه شطرنج ژئواستراتژیک تبدیل کرده‌اند. بنابراین، با توجه به شرایط موجود و شدت یافتن بحران بیش از پیش، ضروری می‌نماید تا هر سه بازیگر کلیدی فوق، پس از توافق با یکدیگر اولویت خود را مبارزه با گروه تروریستی داعش و القاعده و همچنین تأمین کمک‌های بشردوستانه به مردم سوریه قرار دهند؛ چرا که در غیر این صورت چه بسا شاهد قدرت گرفتن روزافزون گروه‌های افراطی نسبت به زمان حاضر و

تسلط آن‌ها بر منطقه و سرایت آتش این بحران به کل منطقه باشیم. در نتیجه علی‌رغم اینکه روسیه، ایران و حزب‌الله راه‌حل توزیع قدرت در منطقه و بازی متعادل برد-برد را در پیش گرفته‌اند، اما در مقابل، تنها سناریوی مورد قبول ایالات متحده آمریکا و متحدانش به ویژه عربستان سعودی، ایجاد یک بازی برد-باخت در منطقه است. اما شرایط موجود در منطقه نیازمند این است که بحران سوریه به نحوی درمان شود که در عین حال که دل‌نگرانی‌ها و حساسیت‌های استراتژیک و سیاسی بازیگران درگیر به ویژه ایران در توازن قدرت منطقه‌ای در نظر گرفته شود، در عین حال سعی شود که با مجموعه سیاست‌های مختلف، زمینه‌های تسهیل دستیابی به یک بازی برد-برد و قابل حل فراهم شود. همچنین لازم به ذکر است که هرگاه بحرانی مشمول زمان می‌شود، همان‌گونه که در بحران سوریه از ابتدا شاهد آن بوده‌ایم، هرچه جلوتر برویم حل آن دشوارتر و برگشت به عقب و تعدیل و کنترل صحنه سخت‌تر و سخت‌تر می‌شود. بنابراین منطقی‌ترین سیاست، تسهیل زمینه‌های بازی برد-برد است، اگرچه موفقیت این سیاست منوط به همراه ساختن دیگر بازیگران مؤثر منطقه‌ای همچون ترکیه، مصر و اخوان‌المسلمین است.

در نهایت باید گفت بدون شک حمله نظامی آمریکا به سوریه ورود به یک مرحله جدید در جنگ سوریه است که مرکز ثقل بحران را از تقابل نیروهای درونی به سمت یک رویارویی بیرونی تغییر می‌دهد و از این به بعد چگونگی روند بحران به تقابل قدرت‌های هژمون جهانی در دو محور ائتلاف آمریکایی با محور روسیه کشیده خواهد شد. در چنین وضعیتی بازیگران اصلی دخیل در عرصه بحران سوریه به صورت مستقیم در تقابل با هم قرار گرفته و توازن قدرت در جنگ سوریه به اراده آمریکا و روسیه یا ترسیم و تعیین یک مناسبات جدید حول چگونگی حل و فصل این بحران ارتباط خواهد داشت.

یادداشت‌ها

۱. در پروسه‌های چانه‌زنی توزیعی سود یکی به ضرر دیگری است. در این نوع مذاکرات، قدرت نقش مهمی دارد؛ چرا که ارتباطات محافظه کارانه و اعتماد اندک است و انواع تهدیدات توسط طرفین صورت می‌پذیرد.
۲. در پروسه‌های ادغامی روش حل مسئله، مشارکتی و استراتژی این روش برد-برد است. در اینجا گزینه‌های مختلف را ارزیابی و یک گزینه را انتخاب می‌کنند، هرچند طرفین صددرصد به اهداف خود نرسیده باشند یا منافع یکی بیش از دیگری تأمین شده باشد. در هر حال هر دو این گزینه را می‌پذیرند. در مذاکره تلفیقی همکاری مبتنی بر اعتماد و انعطاف است.

منابع

الف) فارسی

- احمدیان، قدرت و نوری اصل، احد. ۱۳۹۴. "تحولات سوریه؛ دولت درمانده و بازیگران خارجی"، فصلنامه مطالعات سیاسی، سال هشتم، شماره ۳۰، صص: ۸۹-۱۱۰.
- جعفری، مجید. ۱۳۹۴. سوریه در بحران، تهران، نشر آبارون.
- سردانیار خلیل‌اله و کیانی، فائزه. ۱۳۹۵. "تحلیل بحران سوریه از منظر شکاف‌های اجتماعی"، فصلنامه جامعه‌شناسی سیاسی جهان اسلام، مقاله ۵، دوره ۴، شماره ۸، صص: ۱۱-۱۳۲.
- قاسمیان، روح‌الله. ۱۳۹۲. کنکاشی در تحولات سوریه؛ ریشه‌ها، بازیگران و پیامدها، تهران: وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، معاونت فرهنگی و اجتماعی، دفتر برنامه‌ریزی اجتماعی و مطالعات فرهنگی.

ب) انگلیسی

- Aleksashenko, Sergey. 2015. "A three-sided disaster: The American, Russian, and Iranian strategic triangle in Syria". **Brookings Institute**, pp.1-7.
- Arimatsu, Louise and Choudhury, Mohbuba. 2014. "The Legal Classification of



the Armed Conflicts in Syria, Yemen and Libya". **International Law (Chatham House)**, pp. 1-43.

Asseburg, Muriel. 2012. Protest, Revolt and Regime Change in the Arab World Actors, Challenges, Implications and Policy Options. **SWP Research Paper**, Stiftung Wissenschaft und Politik German Institute for International and Security Affairs.

Ayas, Abdel-Rahman. 2015. "Russia's economic agenda in Syria", **The Arab Weekly**, Available at: <http://www.thearabweekly.com/?id=2154>, Seen at: 1/7/2016.

Ayhan, Veysel. 2011. " The Social Opposition Movement in Syria: The Assad Regime in the Context of Reform and Revolution". **Alternative Politics**, Vol. 3, No. 3, pp.433-454.

Baubion, Charles. 2013. " OECD Risk Management: Strategic Crisis Management". **Strategic Crisis Management, OECD**, pp.1-26.

Belasco, Amy. 2014. The Cost of Iraq, Afghanistan, and Other Global War on Terror Operations since 9/11. **Congressional Research Service**.

Blanchard, Christopher M. and Sharp, Jeremy M. 2012. "Syria: Unrest and U.S. Policy". **Congressional Research Service**, pp. 1-35.

Butter, David. 2015. "Syria's Economy Picking up the Pieces". **Middle East and North Africa Programme (Chatham House)**, pp. 1-32.

Cassidy, John. 2015. "America's Vital Interests in Syria". **The New Yorker**, Available at: <http://www.newyorker.com/news/john-cassidy/americas-vital-interests-in-syria>, Seen at 1/7/2016.

Dacey, Julien Barnes. 2016. " The War Next Door: Syria and the Erosion of Stability in Lebanon, Jordan and Turkey". **European Council on Foreign Relations**, pp. 1-12.

Danish Red Cross. 2015. " Syria four years on: No end in sight". **The Assessment Capacities Project (ACAPS)**, pp. 1-31.

Darwisheh, Housam. 2014. " Trajectories and Outcomes of the 'Arab Spring': Comparing Tunisia, Egypt, Libya and Syria", **Institute of Developing Economics**, No. 456, pp. 1-23.

Dayton, Bruce W. 2009. "Crisis Management". Moynihan Institute of Global Affairs; **Oxford University Press**, pp. 1-13.

De Juan, Alexander and Bank, André. 2013. " The Effects of Regime Cooptation on the Geographical Distribution of Violence: Evidence from

- the Syrian Civil War". **GIGA Research Programme: Violence and Security**, pp. 1-47.
- Díaz, Naomí Ramírez. 2012. " The Syrian Revolution: Will the presumed social unity be challenged in the post-Assad period?" **.BRISMES Graduate Conference 2012: Change and Continuity in the Arab World**, PP. 1-27.
- Dodge, Toby. 2014. "Can Iraq Be Saved? ". **The International Institute for Strategic Studies**, vol. 56, no. 5, pp. 1-15.
- Ferris, Elizabeth G.and Kirisci, Kemal, 2016. **The Consequences of Chaos: Syria's Humanitarian Crisis and the Failure to Protect**, Washington, DC:Brookings Institution Press.
- Gelbart, Jonathan. 2010. " The Iran-Syria Axis A Critical Investigation". **Standford Journal of International Relations**, Vol.XII, No 1, pp. 36-42.
- Guo, Yike. 2012. "The Human Rights Situation in Syria". **Research Report Security Council**, pp.1-15.
- Haran, VP. 2016. Roots of the Syrian Crisis, **IPCS Special Report #181** (Institute of Peace and Conflict Studies), pp. 1-17.
- Hermann, Charles. 1969. "International Crisis as a Situational Variable". In James N. Rosenau (ed.) **International Politics and Foreign Policy**, New York, N.Y.: Free Press, pp. 409-421.
- Hermann, Charles. 1969. **Threat, Time and Surprise: A Simulation of International Crisis**. New York: Free Press.
- Heydemann, Steven. 2013. The Political Science of Syria's War. **The Project on Middle East Political Science (POMEPS)**.
- Jenkins, Brian Michael. 2015. "How the Current Conflicts Are Shaping the Future of Syria and Iraq". **Expert Insights on a Timely Policy Issue**, pp.1-27.
- Klein, Margarete. 2012. "Russia and the Arab Spring".**Stiftung Wissenschaft und Politik German Institute for International and Security Affairs**, pp. 1-8.
- Klingler, Josep. 2014. "Counterintervention on Behalf of the Syrian Opposition? An Illustration of the Need for Greater Clarity in the Law". **Harvard International Law Journal**, Volume 55, Number 2, pp. 483- 524.
- Kodmani, Bassma. 2015. " Syrian voices on the Syrian conflict: A solution for



- Syria". **NOREF Expert Analysis**, pp.1-8.
- Kreutz, Andrej. 2010. " Syria: Russia's Best Asset in the Middle East". **Russia/NIS Center**, pp. 1-23.
- Krokowska, Katarzyna. 2011. "The Fall of Democracy in Syria". **Perceptions**, Volume XVI, Number 2, pp. 81-98.
- Laub, Zachary. 2013. "Syria's Crisis and the Global Response". Council on **Foreign Relations**, pp. 1-9.
- Maltzahn, Nadia. 2015. **the Syria-Iran Axis: Cultural Diplomacy and International Relations in the Middle East**. New York: I.B. Tauris & Co Ltd.
- McCaul, Michael. 2015. "Combating Terrorist and Foreign Fighters Travel". **Homeland Security Committee**, pp. 1-66.
- Murdock, Clark A. 2014. "What has syria taught us about the right time to use force?" **Global Forecast**, pp. 13-15.
- Nnenna, Adeline. 2014. "The Syrian Conflict and the Threat of a Leaderless International Community". **International Journal of Business and Social Science**, Vol. 5, No. 8(1), pp. 301-308.
- O'Bagy, Elizabeth. 2012. "Jihad in syria". **Middle East Security Report 6**, pp. 1-42.
- Prinz, Vanessa. 2010. **Human rights issues concerning Kurds in Syria**. Report on a joint fact- finding mission by the Danish Immigration Service (DIS).
- Raphaeli, Nimrod. 2007. "Syria's Fragile Economy". **Middle East Review of International Affairs**, Vol. 11, No. 2, pp. 34-51.
- Saleh, Alam. 2013. "Relative Deprivation Theory, Nationalism, Ethnicity and Identity Conflicts". **Geopolitics Quarterly**, Volume: 8, No 4, pp. 156-174.
- Seale, Patrick. 2010. **The Struggle for Arab Independence: Riad el-Solh and the Makers of the Modern Middle East**. Cambridge (UK): Cambridge University Press.
- Sharp, Jeremy M. 2011. **Syria: Issues for the 112th Congress and Background on U. S. Sanctions**. New York: DIANE Publishing.
- Sharp, Jeremy M. and Blanchard, Christopher M. 2013. "Armed Conflict in Syria: U. S. and International Response", **Congressional Research Service (CRS)** Report for Congress, 7-5700, June, Available at:

<http://www.crg.gov>, Accessed on: 18/06/2013

Sullivan, Marisa. 2014. "Hezbollah in Syria". **Middle East Security Report**

19, pp. 1-42.

